



گلشن‌آبادی و اشرف

اولین گفت‌وگوی شهاب‌الدین عزیزلی خادم بعد از کنار گذاشته‌شدن از فدراسیون فوتبال

آنهایی که من را عزل کردند کارهای نبودند

سجاد فیروزی؛ قرار مصاحبه ساعت ۱۱ صبح در یکی از ساختمان‌های اداری سعادت‌آباد است؛ در یکی از همین روزهای بی‌رحمانه گرم تابستانی، رنگ که به صدا درمی‌آید، صدایی ناشناخته قبل از اینکه حرفی بزنم، می‌گوید «بفرمایید بالا». سه طبقه‌ای را باید با پله طی کرد تا به دفتر مورد نظر رسید. یکی به استقبال آمده و می‌گوید «چند لحظه تشریف داشته باشید.

آقای دکتر تشریف می‌آورند». چند ثانیه بعد، شهاب عزیزلی خادم، رئیس معزول فدراسیون فوتبال، با لبخند پهنی که به صورت دارد، وارد می‌شود. کت آبی رنگ‌مگ بهاره‌ای پوشیده. نگاهي به کاغذ و دفترها می‌کند و با خنده می‌گوید: «این همه سؤال؟». حس شوخ‌طبعی‌اش با شروع مصاحبه از بین می‌رود؛ مشخص است هنوز تصمیم به «کنار گذاشته‌شدن» را هضم نکرده است. در طول گفت‌وگو چندین بار صدایش بلند می‌شود و وقتی هم پای اعضای هیئت‌رئیس‌ه به میان می‌آید، حرارت صحبت‌هایش بیشتر می‌شود. وقت‌هایی که حس می‌کند «کلام» به قدر کافی بیانگر نیست، از دست‌هایش برای رساندن منظور استفاده می‌کند. «خیانت» و «غصبی» بودن را بیش از بقیه واژه‌ها در طول گفت‌وگو تکرار می‌کند. اگرچه ابتدا کمی «محافظة‌کارانه» صحبت می‌کند ولی در ادامه با جسارت بیشتری از «فشارهای بیرونی» برای عززش از فدراسیون فوتبال ایران می‌گوید. او خودش را قربانی جریان بیرونی می‌داند و می‌گوید نه فدراسیون بلکه مشکل این «جریان» عزیزلی خادم بود. مصاحبه قریب به یک ساعت و ۴۰ دقیقه طول می‌کشد. از صعود ایران به جام جهانی، از دراکان و ویلموتس گرفته تا رفتار با تیم ملی فوتبال زنان ایران را توضیح می‌دهد. واضح است که نمی‌شود تمام مصاحبه را پیاده کرد، ولی این بخش از حرف‌های عزیزلی خادم، روایتی از روزهای قبل از جلسه ۲۸ بهمن اعضای هیئت‌رئیس‌ه تا ماه‌های بعد از آن است؛ روایتی که او برای اولین بار بعد از عزل، حاضر شده درباره آن توضیح دهد.

- می‌دانید اولین و مهم‌ترین چیزی که شما و فدراسیون شما را به حاشیه برد، چه بود؟**

(فکر می‌کند) از روز نخست‌ی که آمدیم، فدراسیون را عامدانه تخریب و برای آن حاشیه‌سازی می‌کردند.

- بله، نگاتی بود، ولی بهانه اصلی نبود. کلید اصلی از زمانی زده شد که شایعه ارتباط فدراسیون با جادوگر مطرح شد؛ چنین چیزی بود؟**
- فکر می‌کنم دراکان اسکوپچ همین چند روز پیش درباره این موضوع صحبت کرده است. چنین چیزی نبود. بارها درباره این‌موضوع صحبت کرده‌ایم و الان تکرار مکررات می‌شود. نکند می‌خواهید به «خوبان عالم» برسید!

- بله خُـب، این چیزی بود که خودتان به آن اشاره کرده بودید. اجازه بدهید این‌طور بپرسم؛ جادوگر نه ولی «خوبان عالم» که وجود داشت؟**

- خوبان عالم که فی‌نفسه کلمه بدی نیست. هرچایی که کسی قلب و وجودش پاک باشد از او استعدای دعا دارم. اینکه چیز بدی نیست. باین‌حال بگذار از خود شما بپرسم؛ آیا کنار تیم ملی اصلا کسی یا چیزی مرتبط با این موضوع دیدید؟
- کنار تیم ملی نه، ولی در حلقه دوستان نزدیک شما چطور، آنجا همچنان کسی وجود نداشت؟**

اینکه بخواهند حاشیه‌سازی و تخریب کنند، همیشه بهانه دارند. من از هرکسی که پاک باشد و قلبش پاک باشد، استعدای دعا دارم و الان هم دارم. فکر نمی‌کنم کار خلاف عرف و غیراخلاقی‌ای باشد. اتفاقا خیلی هم خوب است.

- دومین چالش بعد از ماجرای خوبان عالم، شعار و وعده‌های مالی شما بود. اینکه جایی گفته بودید ۱۰ میلیون دلار می‌آورم، جایی گفته بودید ۳۰۰ میلیارد تومان و…؛ این موضوع هم تبدیل به سوژه‌ای برای انتقاد از شما شد.**

قبل از پاسخ‌دادن به این سؤال بگویم که وقتی فدراسیون را تحویل گرفتم، وضع بدتر از چیزی بود که تصور می‌کردم؛ شبیه به یک جهنم واقعی. این فدراسیون از نظر اعتباری و نتیجه در وضعیت بحرانی قرار داشت. شبیه به یک زمین متروکه و مین‌گذاری هم شده بود. صلاحیت من را برای ورود به انتخابات در وقت اضافه دادند. به من می‌گفتند شما وزیر صنعت و جای دیگری باش ولی وارد فوتبال نشو. چه گناهی کردم؟ آدم باید مجرم باشد؛ چرا وقتی کسی ایمان دارد می‌تواند جایی را متحول کند، نباید ورود کند؟ با این‌حال، من در مجموع ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد تومان آورده داشتم.

- چنین عددی را از کجا می‌آوردید؟**

۱۶ میلیون دلار پاداش صعود به جام جهانی داریم که می‌شود رقمی نزدیک به ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان.

- ولی این رقم را که فدراسیون‌های قبل هم داشته‌اند.**

پاداش‌های ۱۶ میلیون دلاری که در دوره قبل به جام جهانی رفته‌ایم، صرف تیم‌های ملی شده است. سالی سه تا چهار میلیون دلار هزینه دستمزد سرمربی و کادر فنی و کمپ‌ها شده است. در عرض چهار سال که دیگر چیزی نمی‌ماند. من با مربی ۲۰۰هزاردلاری تیم ملی را به جام جهانی بردم. پرواز رایگان گرفتم، هتل رایگان گرفتم، عملا از نظر لباس تا پرواز تا هتلینگ تیم را با کمترین هزینه به جام جهانی برده‌ایم. ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان عایدی داشتیم که حالا دعوا بر سر همین پول است. ۴۰ یا ۵۰ میلیارد تومان از هوایمایی زاگرس و وارش‌پرواز رایگان داشتم. ۱۵۰ میلیارد تومان هم در کیش برای ساخت پنج زمین هزینه شده که کارهایش دارد انجام می‌شود. ۱۷۰، ۱۸۰ میلیارد هم از دولت گرفتیم.

- مگر هزینه ۱۵۰ میلیارد زمین کیش از کجا آمده که آن را به**

عده‌ای از آنها لب به لب ماندگار و یکی از آنها هم که کلا عزل شدند. آنها تریبون داشتند. چرا رسانه ملی به من تریبون نداد تا دفاع کنم؟ همین الان هم به من تریبون بدهند تا بیایم دفاع کنم. چرا تا فدراسیون فوتبال آماده، ترکل و صعودش به جام جهانی قطعی شد، یک‌فعه این همه خواستگار پیدا کرد؟

- اجازه بدهید کمی به عقب برگردیم؛ از قبل حس کرده بودید که این هشت نفر قرار است قبل از ۲۸ بهمن چنین توطئه‌ای علیه شما رقم بزنند؟**

بله، این حس را داشتم ولی نه با این شرایط. تعدادی از آنها با من صحبت کردند که تحت فشار هستند. حتی شب قبل از جلسه به من گفتند که شما به جلسه هیئت‌رئیس‌ه فردا نیا ولی من جرمی نکرده بودم که نرم.

- گفتید جلسه غیرقانونی بوده است پس چرا خودتان در آن شرکت کردید؟**

آقای کامرانی‌فر به من گفت بیا چون اینها مدارک و مستندات ندارند. فقط رقم‌ت تا بگویم بدون مدرک و سند این جلسه غیرقانونی است. بعد هم که پالتو را برداشتم و زدم بیرون.

- یکی، دو نفر از اعضای هیئت‌رئیس‌ه از جمله میرشاد ماجدی گفته بودند فشاری برای عزل شما نداشتند.**

یکی از همین افرادی که پای عزل غیرقانونی من را امضا کرده همین آقای میرشاد ماجدی است. شخصی‌ی که من خودم ایشان را به‌معنویان رئیس کمیته جوانان گذاشتم. بعد به‌عنوان نماینده فدراسسیون به AFC فرستادم و بعد او را تکنیکال‌دایرکتور کردم که مبلغ خیلی خیلی قابل‌توجهی در آنجا می‌گیرد. بعد همین آقا ناجوانمردانه… (جمله را نیمه‌تمام می‌گذارد) البته اینها کارهای نبودند، مشخص بود در همان روزی که گریسه می‌کردند در همان جلسه، تحت فشار بودند. قبلش هم به من گفته بودند.

- یعنی در همان جلسه ۲۸ بهمن؟**

بله در همان جلسه.

- گریه می‌کردند چون مجبور بودند پای نامه عزل شما را امضا کنند؟**
- باید از خودشان پرسید ولی آدمی که مجبور نباشد، آدمی که تحت فشار نباشد چنین رفتاری نمی‌کند. قبل از آن هم تعدادی از دوستان هیئت‌رئیس‌ه به من گفته بودند که از جایی تحت فشار هستیم. اصلا تحت فشار باشید؛ اتفاقا مشکل همین هیئت‌رئیس‌ه است. مگر شما تحت فشار هر کاری را می‌کنید؟ پس انسانیت‌گو؟ اصول حرفه‌ای‌ات‌گو؟ اخلاقت‌گو؟ این کار می‌شود خیانت؛ غیر خیانت نمی‌شود اسمی برایش گذاشت. اینها چطور شب‌ها سرشان را می‌گذارند و می‌خوانند؟ هیچ‌کس به آدم خیانتکار اعتماد ندارد. بعد هم که همین‌ها من را ناجوانمردانه به کمیته اخلاق بررند.
- همان کمیته‌ای که گفته بودید از شما خواسته‌اند استعفا بدهید تا محروم نشوید؟**

بله، رئیس کمیته اخلاق که صلاحیت رسیدگی به کار بنده را هم نداشت رسما به من می‌گفت استعفا بده تا شما را محروم نکنیم. رسما از مسائل و فشارهایی که روی خودش است می‌گفت که اصلا جای شرم است.

- یعنی ایشان هم از بیرون برای برورنده شما تحت فشار قرار گرفته بود؟**

بله. بله. خودش رسما گفت که فشار هست، می‌گفت بروید به بالاسری‌ها بگویید که به من فشار نیارند! آخر این چه فوتبالی است؟ بعد هم که آن داستان کمیته استیفاف رخ داده است.

- در کمیته استیفاف هم عنوان شد که آنها هم مجبور به تأیید محرومیت شما شدند؟**

نکته جالبی است. حذف من کاملا تبدیل به پروژه شده بود. زور بود؛ دیگر کاری از دستم بزمی آمد. من را غیرقانونی عزل کردند، بعد فرستادند کمیته اخلاق و در همین فاصله هم دنبال این بودند که به من استعفا دهم. در همین کمیته استیفاف ذی حساب فدراسیون فوتبال که اصلا از زمان گذشته در این فدراسیون مشغول است، به رئیس و اعضای کمیته استیفاف گفت آقایان با ایشان این برخورد را نکنید. این موضوعاتی که شما الان به آن اشاره می‌کنید در همه فدراسیون‌ها بوده است. فدراسیون همیشه می‌توانسته ۱۰ نفر را برود و گهگاهی ۱۶ یا ۱۷ نفر را خودش برده است. حالا عزیزلی خادم یکی، دو نفر را هم با خودش به سفر برده؛ آن هم چه کسی؟ کسی که اسپانسرش بوده است.

- این موضوع مربوط به داستان همراهان شما در سفر به لیتوانی است؟**

بله. در دنیا دو چیز در فوتبال مهم است: یکی تماشاگر، دیگری اسپانسر. در تمام دنیا اسپانسر‌ها را حتی با خانواده به همراه فدراسیون می‌برند. من هنوز هم از آقای موسوی تشکر می‌کنم بابت هواییمای رایگان و اختصاصی که در اختیار ما گذاشت. در کیش هم به ما هتل داد. این آدم را ربا خواهش به همراه خودمان برای مسابقات جام جهانی فوتسال به لیتوانی بردیم. مگر ایشان نیاز داشت؟ خودم خواهش کردم بیاید. ۵۰، ۶۰ میلیون تومان هم خرج ایشان شده است. در عوض ده‌ها میلیاردتومان پرواز به ما داده است. این قدر در همین مورد فضای رسانه‌ای درست کردند. این آدم دیگر در کنار تیم ملی دیده می‌شود؟ او دیگر کنار تیم ملی نمی‌آید. افراد دیگر هم نمی‌آیند.

- این هم یکی از همان ۴۳ مورد تخلفی بود که می‌گفتند شما مرتکب شده‌اید؟**
- کدام ۴۳ مورد؟ من هنوز ندیدم این موارد را؟! آب شده‌اند؟

- پس در نامه عزل شما چه دلیلی آورده‌اند؟**
- هیچی ندارند این نامه، مستندی ندارد. برای چه چیزی من را عزل کرده‌اند؟
- اجازه بدهید فعلا برگردیم به همان کمیته استیفاف.**

ادامه جلسه چطور پیش رفت؟

ذی حساب فدراسیون آنجا روایت جالبی را تعریف کرد. گفت یک روز جمعه من به فدراسیون فوتبال کشاندم؛ فردی به اسم آقای … فردی که خیلی جاها می‌گویند دنبال پرونده‌سازی بوده است. اینکه این آقا به دستور چه کسی آمده، چطورمی آمده، اصلا ایشان چه کاره است که به فدراسیون بیاید؟ گفت این آقا ما را خواسته و گفته پرونده را بیاور. گفت پرونده را داده و گفته ایشان (عزیزلی خادم) خلائی نکرده است. بعد گفته شما باید حتما کاری کنید که پای عزیزلی‌خادم به مجمع نرسد.

بعننی می‌گویید آقای … به اعضای فدراسسیون توصیه کرده‌اند (سؤال را قطع می‌کند) …

توصیه نبوده است؛ چرا خود شما در لفافه صحبت می‌کنید؟ اینها خیانت کردند، باید تک به تک محاکمه شوند. بعد در این کشور آنها می‌شوند خادم من می‌شوم خان! ذی حساب فدراسیون گفت که من مقاومت کردم. اینها جملاتی بود که ذی حساب به رئیس کمیته استیفاف می‌گفت. بعد، مسئول ملی فدراسیون فوتبال خودکاری از جیبش درآورد و گفت آقایان من فرزند شهید هستم،

من را هم به اینجا کشانده‌اند. به این آدم (عزیزلی خادم) دارد ظلم می‌شود. به من گفته‌اند بنویس. آن چیزی را که واقعیت بود، نوشتم و امضا کردم. با رنگ همان خودکار سه خط اضافه کرده‌اند و داده‌اند به رسانه‌ها که چهره عزیزلی خادم خراب شود.

- خب اینکه موضوع خطرناکی است و نیاز به بررسی کامل‌تری دارد.**

باید رسیدگی شود ولی کجا هستند رسانه‌ها و افرادی که از دکمه و لباس تیم ملی بانوان گرفته تا تیم ملی آقایان گیر می‌دانند؟ چرا الان که فجایعی مثل مشهد رخ می‌دهد روزه سکوت گرفته‌اند؟ فاجعه مشهد عزت و اعتبار این ملت را زیر سؤال برد؛ آیا آن رسانه‌ها اصلا چنین چیزی را پرسیدند؟ بیکبری کردند؟ کسی راجع به ویلموتس سؤال می‌کند؟ کسی راجع به کانادا و لشکرکشی‌ای که برای رفتن و ویزای این کشور انجام شد، سؤال می‌پرسد؟ اگر عزیزلی خادم بود که فجایعی مثل مشهد و داستان کانادا رخ می‌داد به ما صدها اتهام می‌زدند. «VAR» را آوردیم، صدا انگ به ما زدند، تیم ملی بانوان را سروسامان دادیم به ما حمله کردند، تیم ملی ایران می‌برد به فدراسیون فوتبال و شخص عزیزلی‌خادم حمله می‌کردند. کجای دنیا چنین کاری را می‌کنند؟ اگر با عزیزلی‌خادم مشکل دارید حداقل به قطار فوتبال سنگ نزنید. این قطار متوقف شده بود و ما دوباره به لطف الهی و کار جمعی آن را به ریل برگردانیم. شاید نقش من هم کمترین نقش بود. این قطار به هر دلیلی به ریل برگشت و سرعت گرفت ولی نه تنها از ریل خارجش کردند بلکه متوقف شد.

- منظورتان تایچی است که تیم ملی بعد از شما گرفته است؟**

من ۱۳ بازی با تیم ملی بودم ۱۲ بار دارم و یک مساوی. چرا حالا صدای کسی درنمی‌آید؟ تیم ملی سه بازی کرده دو تا را باخته و بازی با لبنان هم که اندازه صدها باخت به اعتبار و عزت مردم این کشور لطمه وارد کردند. کسی هم صدایش درنمی‌آید. فقط مشخص است که مشکل عزیزلی خادم است. اگر عزیزلی خادم مجرم است (حرفش را قطع می‌کند)… چرا یک جرم دارم، جرم من این است که موفق بودم. چشم دیدن موفقیت من را نداشتند. من با افتخار این جمله را می‌گویم که عزیزلی‌خادم اهل یاج‌دادن نبود. این فدراسیون که الان از عزیزلی‌خادم گرفته‌اند غصبی است؛ این فدراسیون را غصب کرده‌اند. اینها با ظلم و ستم این فدراسیون را از عزیزلی‌خادم گرفتند. اگر تخرلف کرده‌ام، مالی را اضافه برداشتم، حتی یک دلار، بیایند رسیدگی کنند. چرا تهمت زدید؟ چرا چهره فوتبال را خراب می‌کنید؟ چرا این همه دروغ؟ یک بازی را به خاطر خوش خدمتی به مشهد بردن که دیدید چه آسیب‌هایی زدند.

- غصبی یعنی اینکه فدراسیون هنوز از آن شما باید باشد؟**

فوتبال ملی نماد کشور و نماد اتحاد شده بود، ولی این نماد را

خیلی عامدانه و با فشارهای بیرونی و داخلی، آن‌هم با کاری که سراسر خیانت است به فقرا بررند. این فدراسیون با ظلم، ستم و جور از عزیزلی‌خادم گرفته شده است. همه با بازی رسانه‌ای فقط می‌خواستند عزیزلی‌خادم نباشد. الان چهار، پنج ماه است من رفته‌ام ولی فوتبال ایران ۵۰ سال عقب رفته است؛ چرا الان سکوت کرده‌اند؟ اگر من یک دلار یا سنت برای خودم برداشتم، اولین‌های زیادی بیاورید، من را محاکمه کنید. من را ززند چون من دزدم نبودم، فاسد نبودم، چون باج نمی‌دام. چون عزیزلی‌خادم یک روستازاده است، چون عزیزلی‌خادم آقازاده نیست. اگر من به جایی وصل بودم، چه چپ و چه راست حتما حمایت می‌کردند ولی من فقط به لطف الهی آمده بودم. خیلی هم خوش‌حالم، سرم هم بلند است چون وطن‌فروش نبودم، وطن‌پرستم. خیانت نکردم، خان نبودم. آنهایی که خیانت کردند باید جواب مردم را بدهند. آنها بازندگان ابدی این فوتبال هستند. در دنیا و آخرت اینها بازندگان هستند. آنها تعرض آشکار و فاحش کردند به ساخت فوتبال. فوتبالی که متعلق به همین مردمی است که در بدترین شرایط معیشتی قرار دارند. با آرزوی یک ملت بازی کردند. چرا کسی با این آدم‌ها کاری ندارد؟ چرا کسی صدایش بلند نشد؟ در این آقایان که … آمده و دنبال این کار دارد کار انجام می‌دهد تعرض و تعدی کردید؟

- آقای عزیزلی‌خادم چند جمله است که اینها را می‌خوانم و بعد از شما دو تا سؤال دارم که فقط با پله یا خیر پاسخ دهید. این جملات در شبیکه ۵ به نقل از دوستی عنوان شده است. «عزیزلی‌خادم را با یک برنامه از پیش تعیین‌شده کنار گذاشتند… شنیدام همین روزها قرار است دستگیر شود…» در این آقایان که … آمده و دنبال این کار است می‌گویم دیگر آب از سرمان گذشته است… فدراسیون قبلمی دارد که در آن خواهید دید همه می‌گویند با زور ما برای برکناری عزیزلی‌خادم امضا گرفته‌اند».**

است؟

- بله، این جملات آقای مصطفوی است، ولی اجازه بدهید خود ایشان درباره این موضوعات حرف بزنند.**
- کلا خودتان به این جملات اعتقاد دارید یا خیر؟**

قبلش صحبت‌هایی با خود من کرده بودند. حال اینکه سازمانش

- کجا بوده، اجازه بدهید ورود نکنم.**

- یعنی از قبل به شما فشار آورده بودند که کنار بکشید؟**

من تحت فشار بودم. حتی در همان جلسه غیرقانونی اعضای هیئت‌رئیس‌ه به آنها طوری القا شده بود که با سازمان رسانه‌ای انجام شده است. چرا الان سکوت کرده‌اند؟ آن نماینده مجلسی که هر روز صبح تا شب کارش دیده‌شدن و تخریب عزیزلی‌خادم بود، الان کجاست؟ چرا راجع به مشهد حرف نمی‌زند؟ چرا راجع به کانادا حرف نمی‌زند؟ اگر من تیم ملی را برمی‌داشتم و به کانادا می‌رفتم که می‌گفتند من جریان فلان هستم.

- با این شرایط، اوضاع ممکن است آشفته شود. فشار بیرونی که محسوس است و گفتید سه خط هم با رنگ خودکار و با قلم فرد دیگری به نامه ذی حساب اضافه شده است. الان قصد ندارید شکایت کنید؟**
- چرا. قطعا چنین حقی را برای خودم قائل هستم.
- با این تفاسیر، کجا می‌خواهید شکایت کنید؟ در ایران یا خارج از ایران؟**

هنوز در این مورد به جمع‌بندی نرسیده‌ام ولی همان‌طورکه گفتم این حق را برای خودم قائل هستم که بیکبری نکنم.

- فکر می‌کنم وقتش رسیده باشد که سؤال آخر را ببرسم. با توجه به این اتفاقاتی که برای شما رخ داده، اگر زمان به عقب برگردد، چه کار یا کارهایی را نمی‌کردید؟ کاری که از انجام آن پشیمان شده باشید.**

(مکت می‌کند) روی این موضوع که به همه اعتماد کنم تجدیدنظر می‌کردم، چون جزء مواردی است که وقتی شما اعتماد می‌کنید، قلب آدم می‌شکند. شکستن قلب صدا ندارد ولی خیلی درد دارد.